

برداشتهای مختلف از تقریب مذاهب اسلامی

محمدطاهر اقبالی

فصل نامه طلوع، ش ۲۶، تابستان ۱۳۸۷



چکیده: توجه به وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ذهنی اندیشمندان مسلمان شده است. در این میان، رویکردهای متفاوت اندیشوران وحدت‌نگر و تقریب‌گرا، خود یکی از اساسی‌ترین موضوعات قابل بحث در عرصه مباحث تقریبی تلقی می‌شود. با توجه به این مهم، در این مقاله، رویکردهای مختلف منادیان تقریب به تقریب مذاهب اسلامی در قالب دیدگاه‌های سیاسی، تبیینی و تفکیکی مورد بحث قرار گرفته و رویکردهای تبیینی و تفکیکی به عنوان مکمل یکدیگر از جمله بهترین برداشتهای از تقریب مذاهب اسلامی و مهم‌ترین راهکار تقریب پذیرفته شده است.

در این مقاله بحث بر سر تقریب مذاهب اسلامی، مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام، شیعه و سنی است. با تأکید اسلام بر وحدت و اخوت اسلامی و انسانی، مجموعه شرایط به وجود آمده و وجود عوامل متعدد موجب گردید که با گذشت زمان، اندیشه‌هایی در میان مسلمانان به عنوان مذاهب، رواج پیدا کند. گرچه امروزه مسلمانان اشتراکات عقیدتی و فقهی فراوانی دارند، لیکن تفاوت در برخی امور منجر به اختلاف و درگیری می‌شود. اندیشه تقریب مذاهب اسلامی در این عرصه شکل گرفت و این مقاله در صدد تبیین برداشتهای گوناگون اندیشمندان مسلمان، از تقریب مذاهب اسلامی است.

۱. رویکرد سیاست‌گرا

صاحبان رویکرد سیاست‌جویانه، تلاش کرده‌اند تا در اثر تشکیل اتحاد حاکمان و

حکومت‌های کشورهای اسلامی، سد و دژ محکم و نیرومندی را در قبال هجوم استعمارگران غربی ایجاد نمایند و مجد و عظمت اسلام و مسلمانان را احیا کنند.

سید جمال‌الدین؛ نخستین شخصی که ضرورت و همبستگی میان مسلمانان را احساس کرد و ندای اتحاد در برابر استعمارگران جهان اسلام سر داد، سید جمال‌الدین بود. او در روزگاری می‌زیست که عزت و شوکت و اقتدار مسلمانان نابود شده بود و ثروت و امکانات و منافع مسلمانان به تاراج می‌رفت. وی می‌گوید: سازمان مغز و اندیشه خود را به تشخیص درد اصلی شرق و جست‌وجوی درمان آن اختصاص دادم. دریافتیم که کشنده‌ترین درد شرق، جدایی افراد آن از یکدیگر و پراکندگی اندیشه‌های آنان و اختلافشان بر سر اتحاد و اتحادشان در اختلاف است. پس در راه وحدت عقیده و بیدار کردن آنان نسبت به خطر غربی که ایشان را فرا گرفته، دست به عمل زدم.

۲. رویکرد تبیین‌گرا

شیخ عبدالمجید سلیم؛ نقش وی در توضیح حقایق و شناساندن مذهب شیعه در جهان اسلام در اثر گفت‌وگوی مذهبی با شرف‌الدین بر هیچ مسلمان منصفی پوشیده نیست. پرسش‌های جست‌وجوگرانه و حقیقت‌جویانه او سبب گردید تا شرف‌الدین پاسخ‌های حق‌شناسانه، عالمانه و روشن‌بینانه را پیرامون «رهبری مذهبی و رهبری عمومی» مطرح کند. یکی از مهم‌ترین کارهای تقریبی عبدالمجید سلیم درباره معرفی و تبیین معارف شیعه، چاپ و انتشار کتاب مجمع البیان است.

شیخ محمود شلتوت؛ وی از معدود متفکران و عالمانی بود که به وحدت اسلامی و تقریب مذاهب اهتمامی ویژه داشت. نگاه تبیینی شلتوت پیرامون اختلافات مذهبی و فرقه‌ای در موارد گوناگون قابل بررسی و تبیین است.

از کارهای توضیحی محمود شلتوت درباره معارف شیعه و در مسیر تقریب مذاهب، نوشتن مقدمه بر تفسیر مجمع البیان طبرسی و معرفی آن به جهان اسلام است. همچنین نقش تبیینی شلتوت، برای معرفی شیعه در کشورهای مصر و عربستان در منتشر کردن، کتاب‌های الحج علی المذاهب، مختصر النافع، تذکره الفقهاء، وسائل الشیعة و حدیث الثقلین از سوی انتشارات دارالتقریب قابل انکار نیست.

عبدالحسین شرف‌الدین عاملی؛ ایشان برای رفع اختلافات مذهبی و احیای اتحاد اسلامی به شفاف‌سازی بین شیعه و سنی روی آورد. کار علمی و تحقیقی مهم دیگری که شرف‌الدین

در واپسین سال‌های عمرش در مسیر تحقق وحدت اسلامی به انجام آن موفق شد، نوشتن کتاب مشهور و شگفت‌انگیز النص و الاجتهاد بود.

محمد حسین کاشف الغطاء؛ یکی دیگر از مصلحان مسلمان که درباره احیای وحدت اسلامی و تقریب مذاهب اسلامی بی‌وقفه فعالیت کرده و در این راه رویکرد شفافیت‌سازی را دنبال نموده، مرحوم کاشف الغطاء است. یکی از مهم‌ترین آثار وی که نقش اساسی در اتهام‌زدایی از شیعه داشت، کتاب اصل الشیعة و اصولها است.

سید محسن امین؛ یکی دیگر از مصلحان مسلمان، سید محسن امین، صاحب کتاب بزرگ اعیان الشیعة، نگاه تبیینی به اختلافات مذهبی داشته و کتاب‌های اعیان الشیعة و لواعج الاشجان و المجالس السنیه فی مناقب و مصائب و رساله التزییه را در مسیر همین امر مهم نوشته است. شیخ محمد رضا مظفر؛ مرحوم مظفر به زیان شیوه‌های افراطی و تفریطی در مسائل اختلاف مذهبی، به‌طور کامل آگاهی داشت و کوشید راه معتدلی را در حل اختلاف‌های مذهبی و وحدت بین شیعه و سنی پیش گیرد و برای رسیدن به این هدف کتاب‌های عقاید الامامیه و السقیفة را به رشته تحریر درآورد.

۳. رویکرد تفکیک‌گرا

آیت الله سید حسین بروجردی؛ آیت الله بروجردی در حقیقت از پیشگامان و منادیان پرتلاش تقریب مذاهب اسلامی است که همواره بر تحقق آن اصرار ورزیده و آن را پی‌گیری کرده است. وی معتقد بود که سامان بخشیدن به «تقریب مذاهب» از وظایف حیاتی هر عالم شیعی است و باید در تحقق آن کوشید. ایشان حتی به توصیه و سفارش دیگران و ارتباط صمیمی داشتن با شخصیت‌هایی چون سلیم و شلتوت و تبادل نامه‌ها و پیام‌ها بسنده نکرد، بلکه خود در این راه فراتر از تصور معمول اندیشمندان شیعه و بارویکرد تفکیک‌گرایانه در قلمرو فعالیت‌های امام، نظریه جدید «مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام» را برای حسن تفاهم مذاهب اسلامی و کاهش اختلافات مذهبی در جهان اسلام ارائه کرد.

مسئله خلافت امروز مورد نیاز مسلمانان نیست که با هم دعوا بکنیم، امروز چه نتیجه به حال مسلمین دارد که بدانند چه کسی خلیفه بود؟ آنچه که امروز به حال مسلمانان مفید است، این است که: بدانند احکام را باید از چه مأخذی اخذ بکنند. به نظر ایشان منشأ وجود مذاهب مختلف، در اسلام این بود که مسلمانان پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم احکام اسلام را از غیر اهل بیت علیهم‌السلام گرفتند.

منظور آیت‌الله بروجردی فراموش کردن اختلاف اعتقادی و نیز جدایی دین از سیاست نیست، آن‌گونه که برخی گمان کرده‌اند؛ بلکه مراد ایشان شاید این باشد که نباید اختلاف عقیدتی را شمشیر بران کنیم و در کمین همدیگر بنشینیم و در هر فرصت پیش آمده از تخریب یکدیگر دریغ نورزیم و حتی شیعه شدن و سنی بودن را برای سرکوب کردن برگزینیم و از مبانی مذهبی به عنوان ابزار استفاده کنیم. این نوع برداشت از اختلاف اعتقادی، نتیجه‌اش همان می‌شود، که شهرستانی پیرامون آثار آن می‌نویسد.

امام خمینی^{ره}؛ تفکر و اندیشه امام^{ره} بدون تردید تأثیر ویژه‌ای در بیداری و وحدت مسلمانان جهان داشته است. امام منادی ارتباط وثیق میان دین و سیاست و فراخواننده یکایک مسلمانان جهت تداوم وحدت و اخوت اسلامی است و اوست که برای اسلام مرز نمی‌شناسد. اگر امروز فریاد اسلام‌گرایی در فلسطین، لبنان، بوسنی و... بلند است، و اگر امروز صدها دانش‌پژوه بیش از هفتاد کشور جهان در جامعة المصطفی^ص العالمیة، مشغول به آموختن معارف اسلامی هستند، همه ناشی از اندیشه حضرت امام^{ره} در اتحاد مسلمانان و دردمندی ایشان راجع به امور مسلمانان است.

جمهوری اسلامی با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم.

امام^{ره} در اثر نگرش وحدت‌جویانه و گرایش تقریب‌مدارانه و با توجه به شرایط زمان، همیشه بر وحدت دولت‌ها و ملت‌های مسلمان تأکید می‌کرد و نگاه خاصی به مسئله امامت و زعامت داشت که معمولاً به عنوان اولین نقطه اختلاف برانگیز مسلمانان تلقی می‌شود. «امروز سر ولایت امیرالمؤمنین^ع اختلاف کردن خیانت به اسلام است و امروز این حرف‌ها را طرح نکنید.»

به نظر می‌رسد، تأکید ویژه امام^{ره} بر حدیث ثقلین و نه حدیث غدیر در وصیت‌نامه، بیان‌کننده دو مطلب اساسی است که هر دو به همبستگی مذاهب اسلامی ارتباط می‌یابد. اولاً، این حدیث در نگاه شیعه و سنی معتبر و حجت است. و امام می‌کوشد مسلمانان را به مشترکات توجه دهد.

سیدمحمدباقر صدر؛ وی در مبحث امامت به دو نکته اشاره کرده است: یکی مرجعیت فکری و دیگری مدیریت اجتماعی؛ با این تفاوت اساسی که مرجعیت فکری محدود به زمان

حیات امام نیست و مستند به حدیث ثقلین می‌شود، ولی مدیریت اجتماعی کاملاً مقطعی بوده و زمان بردار توصیف می‌شود و دلیل آن نیز حدیث غدیر دانسته می‌شود. شهید صدر گرچه مثل آیت الله بروجردی^ع به طرح نکردن مسائل اختلافی تصریح نکرده، اما نگاهی تفکیکی را در باب امامت پذیرفته است.

مرتضی مطهری^ع؛ ایشان در آثارش به ابعاد مختلف مسئله وحدت و نزدیک کردن مذاهب اسلامی پرداخته و رویکردهای متفاوتی را در باب وحدت به نقد کشیده است. وی که مانند استادانش امام خمینی^ع و آیت الله بروجردی^ع اسلام را با تمام وجود لمس کرده بود و طرز نگرش شیعه و سنی را در مبحث خلافت و امامت سرآغاز اختلاف می‌دید، می‌کوشید تا با نگاه کاملاً عقلانی، نگاه تفکیکی به خلافت و امامت و حدیث ثقلین و غدیر داشته باشد.

مطهری در پاسخ به انتقاد کسانی که طرح بحث امامت را مانع وحدت اسلامی می‌دانند می‌گوید: این مؤسسه هرگز مایل نیست موضوع اساسی خلافت و امامت را طبق معمول وسیله سرگرمی قرار دهد و هرگز هم حاضر نیست از طرح محققانه و عالمانه آن چشم پپوشد و هرگز هم طرح عالمانه و محققانه و منصفانه آن را با حمایت از تز اتحاد اسلامی منافی و مغایر نمی‌داند.

شهید مطهری^ع مساوی دانستن امامت و حکومت را بزرگ‌ترین اشتباهی می‌داند که احياناً برخی متکلمان شیعه مرتکب شده‌اند و اکنون نیز تکرار می‌شود.

وی می‌گوید: برخی منبری‌ها و روضه خوان‌ها این حدیث را خراب کردند چون همیشه آن را مقدمه گریز زدن برای مصیبت خواندن قرار داده‌اند. انسان خیال می‌کند که مقصود پیامبر اکرم^ص در این حدیث فقط این بود که من بعد از خود دو چیز را در میان شما باقی می‌گذارم: یکی قرآن که احترامش کنید و دیگری عترت که احترامشان کنید و به ایشان اهانت نکنید. در حالی که مقصود این نیست. یکی قرآن که به آن مراجعه کنید و دیگری عترت که به آنها مراجعه کنید.

ولی امر مسلمانان جهان؛ حضرت آیت الله خامنه‌ای که خود از شاگردان و تربیت‌یافتگان مکتب اهل بیت^ع و دل‌سوزان اسلام و جهان اسلام است، همیشه در موارد گوناگون و بیانات متعدد توجه ویژه به موضوع وحدت و تقریب مذاهب اسلامی داشته است. یکی از اساسی‌ترین کارهای عملی ایشان در راه اتحاد اسلامی، تشکیل «مجمع جهانی تقریب

مذاهب اسلامی» و همین طور «دانشگاه مذاهب اسلامی» در تهران و نامگذاری سال ۸۶ به نام اتحاد ملی و انسجام اسلامی است. ایشان بارها به مناسبت‌های مختلفی پیرامون نقش محوری اهل بیت علیهم‌السلام در ایجاد وحدت بین مسلمانان سخن گفته است:

مهم این است که دنیای اسلام می‌تواند بر محور دو نقطه مربوط به اهل بیت، اتفاق و اتحاد داشته باشد؛ یکی محبت است که یک امر عاطفی و عقیدتی است و مسلمانان به محبت اهل بیت علیهم‌السلام امر شده‌اند و همه آن را قبول کرده‌اند. این نقطه می‌تواند نقطه تمرکز عواطف و احساسات همه مسلمین باشد. نقطه دوم، آموزش دین و تعلم معارف و احکام الهی به مثابه عدل قرآن و به موجب حدیث ثقلین است، که باز این حدیث را شیعه و سنی و فرق مختلف اسلامی روایت کرده‌اند. این چیز مهمی است که برافراشتن پرچم اهل بیت علیهم‌السلام در دنیای اسلام، حقیقتاً می‌تواند دنیای اسلام و مسلمین را از این دو نقطه نظر گرد هم جمع کند.

رهبری دو نوع رویکرد را به اهل بیت علیهم‌السلام باعث اتفاق مسلمانان می‌داند: یکی نگاه عاطفی و دیگری علمی. از نظر ایشان متفکران شیعه باید با این نگرش به امامت، معارف مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را در جهان اسلام بیان نمایند.

امروز اختلافات را نباید زنده کرد؛ نباید برجسته کرد. نباید فرق اسلامی مقدسات یکدیگر را (که نقطه حساسیت زای هر فرقه‌ای همان بخش مقدساتش است) مورد اهانت قرار بدهند. روی نقاط حساس یکدیگر انگشت گذاشتن و فشار آوردن، معلوم است تحریک کننده است؛ این به اختلاف دنیای اسلام منتهی می‌شود؛ این اختلاف نباید باشد، حرف ما این است.

با توجه به مقایسه رویکردهای سه گانه و ویژگی‌های هر یک از آنها، می‌توان رویکردهای تبیینی و تفکیکی را به عنوان بهترین راهکار وحدت و تقریب مذاهب اسلامی برشمرد و آنها را مکمل یکدیگر دانست و فتوای تاریخی شلتوت مبنی بر جواز پیروی از مذهب جعفری را در ازهر، پیامد آن دو نوع نگرش به مسائل اختلافی تلقی کرد.

● اشاره

بازتاب اندیشه ۱۰۹۱۱۴

۱۸۲

برداشت‌های

مختلف

از تقریب

مذاهب اسلامی

سیدجواد حسینی

نویسنده تلاش خوبی برای ارائه راه کارهای تقریب انجام داده است با این حال مواردی قابل تأمل است:

۱. خلط بین وحدت و تقریب؛ در این مقاله بین تقریب مذاهب و مسئله وحدت خلط شده و

هر دو به یک معنی گرفته شده است و از همین جا زمینه نقد‌های بعدی را نیز فراهم نموده است. عنوان مقاله برداشت‌های مختلف از تقریب است، ولی در متن از وحدت به صورت مترادف تقریب اسم برده شده است.

توجه داشته باشیم مراد از وحدت اسلامی، یعنی تکیه بر مشترکات موجود جامعه اسلامی، و منافع مشترک امت اسلامی. وقتی معنای وحدت این شد، طبعاً یک راهکار بیشتر وجود ندارد و آن تکیه بر مشترکات و منافع مشترکه است؛ هر چند ممکن است در شیوه عملی و رفتاری طرح‌هایی وجود داشته باشد، ولی راهکار یکی بیشتر نیست.

اما مقصود از تقریب مذاهب اسلامی این است که با حفظ مشترکات موجود و با توجه به آن مشترکات به عنوان یک پشتوانه مهم تلاش کنیم موارد اختلاف را با تبیین جدید، و یا سیاست‌های جدید و... به هم نزدیک ساخت و موارد اختلافی را به عنوان موارد جدید مشترکات مطرح نماییم؛ مثلاً شلتوت، «کتاب الله و عنرتی» را با «کتاب الله و سنتی» یکی می‌گیرد در واقع با این تقریب و تبیین بر مواد اتفاقی می‌افزاید.

۲. شیوه‌های مختلف در تقریب یا در وحدت؟؛ با خلط «تقریب» با «وحدت» این مشکل پیش آمده که شیوه‌ها و مکتب‌های مختلف در تقریب به حساب وحدت واریز شود و در نتیجه از وحدت معانی مختلفی ارائه شود، در این پیچ‌وخم، خود وحدت تبدیل به یک اختلاف جدید می‌شود (مخصوصاً اگر شیوه‌های تقریب و راه کارهای وحدت به عنوان یک مکتب مستقل از هم‌ارزیابی شود) چرا که وحدتیون باید اول این مسئله را حل کنند که در خود وحدت طرفدار کدام مذهب و مکتب و شیوه هستند؟ تفکیکی؟ سیاسی و... و این شیوه برخورد نه تنها مشکل وحدت را حل نمی‌کند، بلکه مشکلی بر مشکلات ایجاد وحدت می‌افزاید. لذا بهتر است بگوییم، مشکل‌های نام برده شده در متن مقاله، مربوط به شیوه‌ها و بخش‌های تقریب است، یعنی هر کسی تلاش کرده از یک راهی تقریب را به عنوان صفرای وحدت به وجود آورد، نه اینکه در ایجاد اصل وحدت چند مسلک و چند مکتب وجود دارد و یا ممکن است شیوه ورود به وحدت و رسیدن به آن برای هر کسی نقطه‌ای باشد با اینکه در اصل تعریف وحدت اتفاق و اتحاد دارند.

۳. در نظریات ارائه شده دقت کافی وجود ندارد که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

الف) در بخش رویکرد سیاست‌گرا، یکی از کسانی که نامبرده سیدجمال الدین است. در این بحثی است که شیوه کاری سیدجمال الدین این بوده که هم برای تغییر در جوامع اسلامی و هم برای ایجاد اتحاد اسلامی، تلاش می‌کرد. از رأس هرم جامعه‌ها وارد شده و سراغ حاکمان و شاهان و یا علماء برود تا توده مردم، اما متنی که ظاهراً به عنوان مؤید از ایشان نقل شده با این ادعا همخوانی ندارد. متن نقل شده را مرور می‌کنیم.

«سازمان مغز و اندیشه خود را به تشخیص درد اصلی شرق و جست‌وجوی درمان آن اختصاص دادم. دریافتم که کشنده‌ترین درد شرق، جدایی آن از یکدیگر و پراکندگی

اندیشه‌های آنان و اختلافشان بر سر اتحاد و اتحادشان در اختلاف است. پس در راه وحدت عقیده و بیدار کردن آنان نسبت به خطر غرب که ایشان را فرا گرفته دست به عمل زدیم».

این جملات به عنوان تأیید و شاهد بر تقریب مذاهب اسلامی با رویکرد سیاست‌گرا اقامه شده است و حال آنکه اصلاً چنین مطلبی استفاده نمی‌شود. آنچه از این جملات استفاده می‌شود چند مطلب است: ۱. درد اصلی جوامع شرقی و مسلمانان اختلاف و جدایی و عدم وحدت آنان است؛ ۲. تلاش برای وحدت عقیده جامعه اسلامی، یعنی در واقع تقریب را به سبک وحدت عقیده مطرح نموده نه اتحاد حاکمان اسلامی؛ ۳. بیدار کردن جامعه اسلامی و توجه به خطر غرب.

در نتیجه به خوبی می‌توان فهمید که در این جملات رویکرد سیاسی برای تقریب و وحدت مطرح نیست.

۴. تفکیک بین رویکرد تبیین‌گرا و تفکیک‌گرا تفکیکی ناروا است؛ افرادی که از شیعیان جزو تبیین‌گرا نامبرده شده همچون عبدالحسین شرف‌الدین عاملی، کاشف الغطاء، شیخ محمدرضا مظفر، در عین حال که تبیین‌گرا بوده‌اند، بر این مسئله نیز تأکید داشتند که با توجه به حدیث ثقلین در اخذ احکام باید به اهل بیت علیهم‌السلام رجوع شود؛ چرا که آنها تنها راه مطمئن برای گرفتن احکام می‌باشند. خصوصاً مرحوم مظفر که با صراحت این مسئله را مطرح نموده است. به متن سخنان ایشان توجه شود. نامبرده بعد از بحث درباره معنای امامت و عصمت امامان علیهم‌السلام و صفات امام علیه‌السلام بحثی تحت عنوان «عقیدتنا فی طاعة الائمة» دارد در بخشی از آن می‌گوید: «... والا الذی یهنا منه ما ذکرنا من لزوم الرجوع الیهم، فی الاخذ باحکام الله الشرعیة و یحصل ماجاء به الرسول الاکرم علی الوجه الصحیح الذی جاء به... والدلیل القطعی دال علی وجوب الرجوع الی آل البیت و انهم المرجع الاصلی بعد النبی لاحکام الله المنزل قوله «انّی قد ترکت فیکم ما ان تمسکتم به لن تضلوا بعدی ابدأ الثقلین...»^۱ این جملات طبق تعریف نویسنده مقاله، نشانگر تفکیکی بودن مرحوم مظفر است نه تبیین‌گرا بودن او. ولی قضاوت ما این است که مرحوم مظفر و همین طور مابقی علمای نامبرده شده در بخش تبیین هم تبیین‌گرا هستند و هم تفکیکی.

اما در بخش تفکیک واقعاً می‌توان این نسبت را به آقای بروجردی داد که اثبات حقانیت اهل بیت علیهم‌السلام و خلافت بلافصل علی علیه‌السلام برای او مهم نبوده است، فقط مهم مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام بوده است؟ خود نویسنده هم این را قبول دارد منتهی مرحوم بروجردی علیه‌السلام از راه مباحثات می‌گوید حالا که دوران خلافت آنها گذشته لاقول مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام

بازتاب اندیشه ۱۰۹۱۱۲
۱۸۴
برداشت‌های
مختلف
از تقریب
مذاهب اسلامی

۱. مظفر، شیخ محمدرضا، بدایة المعارف، شرح از محسن خرازی، قم، جامعه مدرسین، ج اول، ج ۲، ص ۵۵.

بودن مورد توجه قرار گیرد، پس در واقع مرحوم بروجردی رحمته هم طرفدار تبیین بوده است و هم مرجعیت علمی و احکام اهل بیت علیهم السلام را در این زمان مورد توجه قرار داده است. همین طور امام خمینی رحمته و دیگران.

این گونه تفکیک و مسلک‌های متعدد درست کردن دو مشکل دارد: ۱. گاه نسبت ناروایی می‌شود به شخصیت‌های بزرگ جهان تشیع که مثلاً این‌ها تفکیکی هستند و بر مسئله امامت و خلافت امامان علیهم السلام خیلی تکیه نکرده‌اند.

۲. بر مشکلات تقریب و وحدت می‌افزاید، چرا که هر کسی بحث تقریب یا وحدت را مطرح کرد، اول باید بررسی شود که این شخص سیاست‌گراست یا تبیین‌گرا؟ و یا طرفدار تفکیک؟ خود این مسئله باعث صف‌بندی در میان وحدت‌گرایان می‌شود. بله می‌توانیم راهکارهای وحدت و تقریب را بدون توجه به افراد مورد بررسی قرار دهیم.

مخصوصاً در رابطه با امام خمینی رحمته نسبت تفکیکی دادن که راهی است برای تقریب نارواست؛ چرا که آن شخصیت جامع‌الاطراف نگر بود. در عین حال که سیاست‌گرا بود و سران حکومت‌های اسلامی را به وحدت دعوت می‌کرد، تبیین‌گرا هم بود و در جای جای کتاب‌های خود مسئله حقانیت و امامت اهل بیت علیهم السلام را مطرح نموده است. مسئله مرجعیت علمی آنان را نیز به زبان آورده است. و آنچه بیش از همه امام تأکید داشت بر وحدت و تکیه بر نقاط مشترک جامعه اسلامی بود.

همین طور استاد مطهری رحمته و مرحوم باقر صدر رحمته در عین حال که تبیینی بودند، طرفدار مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام نیز بودند. خود نویسنده نیز قبول دارد که تبیینی و تفکیکی مکمل همدیگرند، آیا می‌توان گفت نویسنده به این‌ها توجه داشته ولی شخصیت‌های عظیمی چون مرحوم بروجردی رحمته، امام خمینی رحمته، مرحوم مطهری رحمته و ... به این مسئله توجه نداشته‌اند؟ مشاهده کتاب‌های افرادی که جزء تفکیکی‌ها نامبرده شده، به خوبی این واقعیت را ثابت می‌کند که آنها هم تفکیکی بودند و هم تبیینی؛ یعنی هم مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام را به عنوان بهترین مرجع مطرح می‌نمودند و هم حقانیت امامت و ولایت آنها را از طریق منابع اهل سنت و یا قرآن اثبات می‌نمودند.